

مصاحبه‌ای با دکتر هوشنگ امیراحمدی استادیار و مدیر مطالعات خاورمیانه‌ای دانشگاه راتگرز ایالات متحده آمریکا - بخش برنامه‌ریزی شهری .
برداشت از نشریه "از انتشارات بانک جهانی - شماره ۶ دسامبر ۱۹۸۸"

پرسش: آیا شهرهایی که در خلال جنگ خراب شده‌اند بازسازی می‌شوند یا تغییر مکان می‌دهند؟
پاسخ: "کلا"، چون مکان‌های دیگری به عنوان گزینه برای احداث شهرهای جدید وجود ندارد، دولت تصمیم گرفته است شهرهای تخریب شده را در همان نقطه بازسازی کند. به‌علاوه مردم مایلند به جایی بازگردند که با آن آشنایی کامل دارند. و زمانی که در امر بازسازی دخالت داده می‌شوند، نظرات آنها نیز باید مراعات گردد.
پرسش: چه کسی هزینه‌های بازسازی خانه‌های تخریب شده را تقبل خواهد کرد؟

پاسخ: به روال دوران جنگ، دولت مستقیماً "مصلح یا بودجه بازسازی را برای زیان‌دیدگان تهیه خواهد نمود. اما این وابسته به سطح درآمد دولت است. بیشتر کمکها به موردی که نیاز مبرمتری وجود دارد داده خواهد شد. بدین ترتیب اگر کسی صاحب ۳ خانه باشد، از کمکهای کمتری برخوردار خواهد بود. همینطور در مورد سایر اموال، برای مثال، یک اتومبیل مرسدس بنز وسیله‌ای لوکس به شمار می‌رود، و اگر در خلال جنگ از بین رفته باشد، به مالکش فقط قسمتی از خسارت پرداخت می‌شود. اما، تمام خسارت مثلاً یک کامیون پرداخت خواهد شد، زیرا وسیله‌ای اساسی محسوب می‌گردد.

■ جنگ هشت ساله عراق علیه ایران پس از پذیرش آتش‌بس توسط طرفین محاصمه در جولای سال ۱۹۸۸ خاتمه پذیرفت. براساس نظر هوشنگ امیراحمدی مدیر مطالعات خاورمیانه‌ای دانشگاه راتگرز نیوجرسی، در ایران، هزینه‌های مستقیم اقتصادی جنگ بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار و هزینه‌های غیرمستقیم اقتصادی آن حدود ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

در خلال جنگ، شش شهر کشور کاملاً تخریب شده و چهارده شهر دیگر حدود ۳۰ تا ۸۰ درصد صدمه دیده‌اند. بعنوان نمونه، خرمشهر، که قبل از جنگ یک شهر سیصد هزار نفری بود، اینک یک شهر متروکه است. ۲/۵ میلیون مهاجر جنگی هم‌اکنون در اردوگاهها، سرپناهمهای موقتی، خانه و سایر مراکز تعیین شده توسط دولت زندگی می‌کنند.

لذا زمینه‌های بازسازی بسیار فراوانند. کشور در حالی که باید خانه‌ها، مدارس، بیمارستانها، مغازه‌ها و تسهیلات زیربنایی‌اش را بازسازی کند، همچنین می‌بایست تولید در کارخانجاتی که متحمل خسارات فراوانی شده‌اند را نیز احیا نموده و برخی خرابی‌های دیگر را جبران کند (برای مثال، ۶۰ درصد ظرفیتهای بندری ایران، خسارت دیده‌اند).

در حال حاضر، در حالی که منابع در مقایسه با طیف نیازها محدودند، چالشهای فراوانی درباره اینکه کدام جنبه‌های بازسازی باید اولویت برتری را حائز گردد در داخل کشور وجود دارد.

کشور از یک نظر خوش‌اقبال است، و آن اینکه می‌تواند بر روی درآمدهای نفتی خود که تاکنون آنرا از توسل به استقراض خارجی بی‌نیاز داشته، حساب کند. اما این درآمدها که حدود نود درصد ارز خارجی ایران را تشکیل می‌دهند در آینده به رقمی معادل ۱۲ - ۱۰ میلیارد دلار در سال کاهش خواهد یافت، زیرا هم‌اینک قیمت نفت به هر بشکه ۱۲ دلار نزول کرده است. بدین ترتیب درآمدهای نفتی فقط قسمتی از میزان فراوان ارز مورد نیاز برای بازسازی را پوشش خواهند داد.
دکتر امیراحمدی، که استادیار بخش برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه راتگرز می‌باشد و در سالهای اخیر چندین بار از ایران دیدار کرده است و نیز در تابستان گذشته در وزارت برنامه و بودجه سخنرانی داشته است، مقاله‌ای درباره بازسازی بعد از جنگ در ایران دارد و نیز صاحب کتاب "اقتصاد سیاسی ایران در جمهوری اسلامی" می‌باشد که در سال ۱۹۸۹ توسط دانشگاه راتگرز منتشر خواهد شد. نظرات او درباره مباحثات و موضوعات بازسازی بعد از جنگ در ایران به شکل مصاحبه‌ای در زیر آورده می‌شود:

در خلال جنگ هشت ساله، تحت یک نظام "حمایتی" برخی از شهرها بازسازی شدند و این بدین شکل بود که شهرهایی که در جنگ آسیب ندیده بودند، هزینه‌های بازسازی را تقبل نمودند و نیروهای فنی بازسازی را نیز تامین کردند. بعلاوه، مردم در سرتاسر کشور میلیارد ها ریال کمک مالی نمودند.

پرسش: عوامل مهم در مورد بازسازی نواحی شهری چیست؟

پاسخ: قبل از اینکه برنامه‌ها آماده گردند، دولتمردان مایلند بدانند که چه تعداد از مردم جنگزده به مناطق خود باز خواهند گشت، بدین ترتیب یک پیش‌بینی جمعیت لازم می‌آید.

دوم، آنها مشغول مطالعه این مسئله‌اند که کدامیک از عملکردهای گوناگون شهری باید عمده گردد، البته نه به صورت مطلق تا بتواند به شهرها نقش گذشته‌شان را بازگرداند.

سوم، دولت تصمیم گرفته است که یک توسعه با دیدگاه منطقه‌ای در کشور داشته باشد. در برنامه‌ریزی بازسازی، شهرها به مثابه نقاط اصلی مناطق فرض خواهند شد، و منطقه‌ها در رابطه با یکدیگر در نظر گرفته میشوند. بعنوان بخشی از این استراتژی، بازسازی سکونتگاههای روستایی و کشاورزی بر شهرها مقدم خواهند بود. تقسیماتی که این عامل از مهاجرت به شهرها به مجرد آغاز بازسازی جلوگیری نماید.

سپس، هیچ نیازی دیده نمی‌شود که شهرها مثل قدیم بازسازی شوند. سابقاً، در شهرها پارکی وجود نداشت، اما تعداد زیادی بازار، خیابانهای باریک و کاربریهای آشغته و درهم بر روی زمین که فی‌المثل فعالیتهای مسکونی و تجاری را توأم" دارا بود در شهرها وجود داشت.

اینک، شهرهای نوین، بر اساس برنامه ایجاد خواهند شد. با طرحهایی که شامل نواحی صنعتی جدا از نواحی مسکونی می‌باشند. و این بر روی سیستم حمل و نقل تاثیر خواهد گذاشت، بطوری که مردم دیگر قادر نخواهند بود پیاده به محل کار خود بروند.

پرسش: بازسازی شهرها چگونه با اولویتهای اقتصادی دولت ارتباط پیدا خواهد کرد؟

پاسخ: برنامه بازسازی بخش مولد اقتصاد در قدم نخستین قرار دارد. سپس زیربناها، خانه‌سازی، ایجاد تسهیلات برای شاغلانی که در کارخانجات کار خواهند کرد که شرایطشان با زمان قبل از آتش‌سوزی بسیار متفاوت است. در حالی که، دولت ۴۵ درصد منابعش را در خانه‌سازی سرمایه‌گذاری می‌کند، به این معناست که بازگشت مهاجران به شکلی گام به گام و تدریجی و بر اساس توانایی دولت در امر بازسازی باید برنامه‌ریزی شود. بعبارت دیگر، برای آنهایی که خواهند بطور ناگهانی بازگردند خانه و کار وجود نخواهد داشت.

پرسش: آیا برنامه‌ها بصورت از بالا به پایین تهیه خواهند شد یا از پایین به بالا؟

پاسخ: در کل، نظام ایران متمرکز است. اما بعد از انقلاب میزان تمرکز کمتر شده است. اینک، مقوله "عدم تمرکز بیشتر مدنظر قرار دارد. با توجه به این موضوع که بازسازی باید عامل گرایش مردم به سازمانهای محلی برای فرآیندهای تصمیم‌گیری باشد. اما، پروژه‌های اساسی بازسازی به صورتی بسیار متمرکز طراحی خواهد شد.

پرسش: آیا تاکنون هیچ برنامه بازسازی آماده شده است؟

پاسخ: هنوز نه، اما چهار محور بنیادی شناخته شده‌اند که عبارتند از. بازسازی بنیه نظامی، تقویت بنیه اقتصادی، بهبود بنیه قشرهای فقیر و بازسازی نواحی جنگزده.

پرسش: کدامیک از اینها اولویت بالاتری را حائز است؟

پاسخ: نخست کشور می‌کوشد دوباره رشد اقتصادی خود را بازیابد. باین مفهوم که ۵-۴ میلیون شغل ایجاد کند و قیمتها را کنترل نماید. همچنین این اطمینان وجود دارد که دولت دارای گرایشات بازسازی با برنامه می‌باشد، تا واگذار شدن آن به دست بازار. توسعه اقتصادی بسمت اهمیت تولید با واردات مواد اولیه صنعتی جهتگیری می‌نماید. و این موضوع که شامل مبادلات خارجی می‌شود، چشم‌انداز کاملاً متفاوتی را می‌گشاید. صنایع ایران تا ۶۵ درصد مواد اولیه‌شان وابسته به بازارهای بین‌المللی می‌باشد. بدین ترتیب، فقط تعداد اندکی از صنایع می‌توانند با استفاده از مواد داخلی تولید داشته باشند. بدون ملاحظه این مطلب که دولت تا چه میزان تاکید در استفاده از منابع داخلی دارد.

پرسش: مبادلات خارجی چه چشم‌اندازی را دارا می‌باشند؟

پاسخ: مبادلات خارجی در بعد واردات، بسیار محدود است.

پرسش: آیا درآمدهای نفتی کمکی نمی‌کنند؟

پاسخ: البته، اما بنیه نظامی نیز باید بازسازی شود، و تجهیزات و لوازم بدکی آن هزینه‌های معادل ۳ میلیارد دلار از ارز خارجی سالانه را شامل خواهد بود. در حالی که فقط میزان کمی از آنها در داخل تولید می‌شود. واردات مواد غذایی، که میزانش

همیشه بالا بوده است، حدود ۴/۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود. اگر حدود یک میلیارد دلار بعنوان ارزهای دانشجویی، هزینه، سفارتخانه‌ها و ماموریت‌های مختلف در نظر گرفته شود، حدود ۲-۳ میلیارد دلار برای بازسازی باقی می‌ماند.

اینک سوالی که می‌تواند مطرح شود، این است که آیا بازسازی جامعه با اتخاذ یک استراتژی درهای باز توسط همکاری بخش خصوصی داخلی با سرمایه‌گذاری خارجی انجام خواهد پذیرفت، یا یک استراتژی خوداتکایی با سرمایه‌گذاری عظیم دولتی دنبال خواهد شد، یا به یک استراتژی مختلط از این دو عمل خواهد شد؟

تاکنون، ایران اساساً منابع داخلی را بکار گرفته است، اما، سیاست درهای باز از این نظریه دفاع می‌کند که سیاست خوداتکایی در امر بازسازی کار نخواهد بود، زیرا ملکت بایستی سرعت حرکت کند و نیازها بسیارند. این نیازها به مردم فشار می‌آورند تا بیشتر ریاضت بکشند و در انتظار ایجاد گناهی و فرجی در زندگی روزمره‌شان نباشند. سیاست درهای باز معتقد است که رفاه اقتصادی از طریق رشد سریع حاصل خواهد شد. در این حالت نسبت به گروه‌های کم درآمد کمتر توجه می‌شود، در حالی که ۶۵ درصد ایرانیان اینک با درآمدهایی بسیار پایین زندگی می‌کنند.

سایرین معتقدند که پیشروی می‌تواند کندتر صورت گیرد، و اینکه کشور باید در صنایعی سرمایه‌گذاری کند که مصالح و مواد مورد نیاز بازسازی را تولید می‌نمایند، همچنین آنها از وابستگی فزاینده به بازارهای بین‌المللی به شدت اجتناب می‌ورزند. و می‌گویند که مردم انتظار سختی بیشتری را نباید

به تصور آورند.

با اینهمه، هر دو نظریه به زیربنایها و صنایعی که در جنگ از بین رفته‌اند اولویت می‌دهند.

پرسش: کدام نظریه بیشتر طرفدار دارد؟ پاسخ: هنوز معلوم نیست. اما احتمالاً دولت یک امتزاجی از دو نظر را در سر باید داشته باشد که بدان ترتیب بخش خصوصی یک نقش اصلی را ایفاء خواهد کرد، با مشارکت دولت به مثابه سرمایه‌گذار و ارشادگر. چیزی که حتمی به نظر می‌رسد اینست که ایران از سرمایه‌گذاریهایی مستقیم خارجی استقبال نخواهد کرد. اما، در صورت لزوم در پاسخ به این امر، از درآمدهای خارجی خود در بازپرداخت طرحها استفاده خواهد نمود. برای مثال، اگر از ژاپن، برای احداث یک کارخانه دعوت شود، عقیده بر این است که هزینه آن پس از ده سال بازپرداخت شود. همچنین کشور ترجیح می‌دهد که اگر قرار باشد استقراض خارجی صورت بگیرد این استقراض از سازمانهای بین‌المللی باشد تا بانکهای تجاری. پرسش: در کنار وجود محدودیت در امر مبادلات خارجی، سایر موانع اساسی در امر بازسازی کدام‌ها هستند؟

پاسخ: اول، کمبود کارگران و افزارمندان ماهر و فنی. تربیت کادر اینک انجام می‌شود، اما هنوز باندازه کافی برای رفع نیازها نیست.

همچنین، نیاز شدیدی به مهارت‌های فوق‌العاده فنی برای ایجاد تجهیزات پیچیده مثل صنایع و زیربنای پایه‌ای وجود دارد، و اینجاست که دولت روی به کارشناسان خارجی خواهد آورد. مدیران ماهر نیز بسیار اندک شمارند، اما دولت از خارجی‌ها در امر مدیریت استفاده نخواهد کرد. در عوض امکان دارد از متخصصان ایرانی که در ممالک

غربی زندگی می‌کنند دعوت به بازگشت نماید.

زمان نیز بسیار اهمیت دارد، اگر بازسازی به کندی پیش رود، مهارت‌ها می‌توانند در داخل کشور افزایش یابند. چنانکه در صنعت نفت اتفاق افتاد. بطوری که ایران اینک در صنایع نفت خود الزامی در تکیه بر کمک‌های فنی خارجی ندارد.

قبل از آنکه بازسازی جریان پیدا کند، ایران باید مشکل فقدان نهادهای ضروری را وجود نهادهای متعدد با عملکردهای متشابه و متداخل را حل نماید.

تهیه و ترجمه شده در بخش مجله معماری و شهرسازی.